ادامه از صفحه یک

فرصتی تاریخی برای بازسازی سرمایه اجتماعی

مسئولانی که حاضرند در هر لحظه که لازم شد، خود را فدای کشور و انقلاب کنند. این تصویر فرع‌هایی برای خود دارد که باید برجسته شوند. تصویر منزل مادر شهید در یکی از محله‌های متوسط رو به ضعیف شهر مشهد، یکی از مهم‌ترین وجوه این فروع است. همسایه‌های مادر رئیس‌جمهور نمی‌دانستند که والده نفر دوم کشور در محله آنها زندگی می‌کند. ناشناختگی برادران شهید و سادگی در زیست روزانه او هم می‌تواند بخش‌های دیگر این جورچین باشد. البته که عناصر اصلی، همان خستگی‌ناپذیری، اخلاص و صمیمیت با مردم است.

درواقع شهادت باعث شده تا بخشی از جامعه که اساسا به حرف و رسانه جمهوری اسلامی گوش نمی‌دادند، حالا کمی توجه کنند. این حقیقت خون است که دل‌ها را به خود جذب و جلب می‌کند. استفاده از این فرصت برای پیش بردن یک نگاه گفتمانی بسته مانند آنچه در برخی شبکه‌های سیما در این چند روز اتفاق افتاد، اجحاف به شهید و بزرگ‌تر از آن، اجحاف به انقلاب است. اینکه یک جریان مشخص، رئیس‌جمهور فقید را برای تبلیغ خود، مطالبه به مطلوب کنند، یکی از خطرات روزهای پیش‌رو به‌ویژه تا انتخابات خواهد بود. رئیسی را باید برای انقلاب خرج کرد و نه برای یک گروه یا جریان سیاسی. تخاطب انقلاب هم با همه مردم است و نه یک گروه. همان‌طور که برای تشییع این عزیزان، یک گروه از مردم به خیابان نیامدند بلکه عموم مردم با حضور میلیونی آنها را بدرقه کردند. ظرفیت حضور میلیونی در تشییع شهرهای مختلف کشور هم باید برای سرمایه اجتماعی نظام و انقلاب خرج شود. در این چند روز در یکی از شبکه‌های سیما وقتی تصاویر میلیونی حضور مردم در مشهد پخش می‌شد، مجری روی تصویر دکلمه‌ای می‌کرد که ترجیع‌بند آن «به تو دوباره رای می‌دهیم» بود. استفاده از این حضور گسترده برای مباحثی مانند انتخابات یا تایید و رد دولت شهید رئیسی، همان خطر مذکور در بالا را به ما یادآور می‌شود. او حالا شهید این انقلاب است و نمادی از مسئولان صادق و خدمتگزار که البته در کشور کم نبوده و کم نیستند. مسئولانی که همگی ذیل انقلاب اسلامی خدمت کرده و می‌کنند. یعنی هسته اصلی مباحث انقلاب اسلامی است که چنین افرادی را در ظرف خود جای داده. اینجاست که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در اذهان و افکار بالا می‌رود و دوباره تصویر خود را به‌ویژه در بخش‌های دورشده، بازسازی می‌کند. البته یقین داریم که از نظر برخی از فعالان سیاسی و فکری -مانند بعضی از آنها که در این چند روز به سیما دعوت شدند- عامه مردم به‌ویژه آن بخش‌هایی از مردم که از نظام دور شده‌اند، هیچ اهمیتی ندارند و مردم صرفا متدینان هستند. اما در نگاه ناب امامین انقلاب و خود شهید رئیسی، مردم همه مردم و عامه مردم هستند. پس باید از این ظرفیت در راستای ساخت تصویر مطلوب از انقلاب و نظام برای همه مردم استفاده کرد نه اینکه آن را تبدیل به بحثی انتخاباتی و جناحی نمود.

خلاصه اینکه، حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی در دوران حیاتش خدمات بزرگی به نظام اسلامی کرد. حالا ما هستیم که می‌توانیم از دوران شهادتش، به این خدمات ادامه دهیم. اینها نیاز به عقلانیت در عرصه رسانه دارد که امیدواریم با تصحیح در برخی کنشگری‌ها به نقطه مطلوب برسد.

تشییع میلیونی و احیای امر ملی

ارسطو ویژگی انسان آزادی‌خواه یا جامعه به‌دنبال آزادی‌طلبی را جامعه‌ای بیان می‌کند که خود را درون دولت‌شهر تعریف کنند و او هر جامعه‌ای بیرون از دولت‌شهر را غیرآزادی‌طلب معرفی می‌کند. به‌نظر می‌رسد ارسطو درپی این است که نشان دهد هیچ جمعی که نتواند از همبستگی سیاسی پیروی کند، اصلا جامعه نیست، حتی اگر در آن کشور آزادی‌خواه‌های بزرگی هم زیست کنند. این مساله به این معنا است که حتی اگر آزادی را -که به‌نظر یک فرم فردی است- طلب می‌کنید باید بتوانید خود را درون جمعی از آن دفاع کنید که سیاست جمعی را فهم کرده است. این مثال نشان می‌دهد پارادوکس معاصر از اینجا نشأت می‌گیرد که انسان‌ها به‌قول هانا آرنت از مقام کنشگری به مقام انسان‌های در فرم اقتصادی تقلیل پیدا کرده‌اند و روابط بین‌شان که نوعی سیاست است، درون خود دچار تهی‌شدگی است که این پارادوکس شکل می‌گیرد، به‌تعبیری مردم و جامعه بیرون از سیاست قصد زیستن دارند، ولی از سیاست درخواست بیشترین مطالبه را نیز دارند و این دقیقا بحران کشور ماست. به‌نوعی ما با بدنه وسیعی از جامعه امروز روبه‌رو هستیم که هم دولت قوی می‌خواهند و هم دولت حداقلی را دوست دارند و کوچک‌ترین ضعف دولت نشان از بی‌دولتی است، اما بیشترین اقدامات دولت را دخالت در زیست مردم جامعه می‌دانند. این همان بحثی است که مقدمه امر ملی ماست. وقتی جامعه ما بیرون از سیاست و سیاست را در مقام هم دوست و هم دشمن تعریف کرده است، اصلا چگونه می‌توان به امر ملی اندیشید؟ امر ملی وضعیتی است درون سیاست و آن منطقی که جامعه دچار پارادوکس نباشد. آنچه متاسفانه در سال‌های اخیر نخبگان به آن توجه نکرده‌اند، همین وضعیت پارادوکس است که نمی‌توان به سادگی از آن عبور کرد. دولت‌ها هم در چنین شرایطی به شکلی گرفتارند و آنچه ضرورت اهل فکر ماست، تامل در باب این مساله است. اینکه چگونه باید این پارادوکس را حل کنیم یا دولت چگونه می‌تواند از این پارادوکس عبور کند، مقدمه اصلی امر ملی است. اگر جامعه‌ای نپذیرد که سیاست در وضع اجتماعی آن است که صورت‌بندی می‌شود و هر تصمیمی از سمت حاکمیت بدون عوارض نخواهد بود، دیگر تامل در باب امر ملی اصلا ممکن نیست؛ چراکه زمینه ملت‌سازی یا دولت‌سازی یا احیای ملتی باید براساس نوعی از قرارداد یا ارزش‌های خاص یا سیاستی قرار بگیرد که مورد پذیرش اجتماعی و امر عمومی است، به‌نوعی که از سیستان تا تبریز و مشهد و بندرعباس را به سمت امر ملی دعوت کند. اما هنگامی می‌توان چنین ایده‌ای را صورت‌بندی کرد که مناقشه اصلی، یعنی جدایی شهروندان و حکومت را برطرف کرده باشیم. به‌نظر می‌رسد باید این سیاست‌ورزی را -که جامعه هم مخالف حضور دولت و هم موافق حضور آن است- جدی گرفت و تلاش کرد این پارادوکس معاصریت را وارد گفتار نخبگان کرد و جامعه نخبگانی را در این‌باره به تاملات جدی واداشت.

فرار از حیرت؛ افق‌گشایی برای جمهور

در شرایطی هم رسانه‌ها نتوانسته‌اند تصویر واقعی از جلوه‌های متعالی زیست نخبگان سیاسی ترسیم کنند، اما در این لحظه فوق مهم تاریخی که در آن قرار داریم، جوان و نوجوان ایرانی می‌تواند همه ارزش‌های انسان سیاسی انقلاب اسلامی را بدون فیلتر مشاهده کند. مرحوم شهید رئیسی مانند بسیاری مردم ایران، در خانواده‌ای معمولی و محروم از بسیاری امکانات ویژه، براساس تلاش و عمل و البته در افق انقلاب اسلامی رشد کرد و نشان داد اگر به‌واسطه سواد مجازی پایین و بی‌اخلاقی‌های رقیبان، آماج برچسب‌زنی سازماندهی‌شده قرار بگیرید، باز می‌توان با محبت به مردم، محبت متقابل آنها را باز ستاد و به‌واقع این تاویل آیات قرآن درخصوص مودت و محبت در روابط سیاسی دولت اسلامی است (وجعل افئده من الناس تهوی الیهم). بر این اساس من تصور می‌کنم جمهوری اسلامی در روزگار عسرت سرمایه اجتماعی می‌تواند به استقبال یک سرمایه اخلاقی برود. این سرمایه اخلاقی در میدان سیاست‌ورزی متعین شده اما به سادگی قابل تبادل و تبدیل به سرمایه اجتماعی است. داغ فقدان شخصیت اول سیاسی یک کشور آن هم در حادثه‌ای ناگوار و البته در میانه مجاهدتی شبانه‌روزی، شاید بنفسه سرمایه‌ساز نباشد، اما اگر به سرمایه اخلاقی متصل به رئیس‌جمهور نجیب و فقید توجه شود، می‌توان آن را تحمل کرد و افق‌گشای بازاندیشی در جمهوریت نظام دانست. کسانی که براساس این سرمایه قابل تبادل به روزهای آینده و جامعه ایرانی نمی‌اندیشند، راه رئیسی شهید را نخواهند پیمود. جمله آخر اینکه جامعه ایرانی در این شرایط سرمایه اجتماعی، بیشتر نیازمند آرامش اخلاقی است تا رقابت سیاسی، رقابت سیاسی از عناصر مهم و ارزشمند مردم‌سالاری است، لکن در شرایط وخامت اجتماعی و رسانه‌ای بیشتر به شکاف و دوقطبی منجر می‌شود. ما برای عبور از دوره نقاهت، به‌شدت به آرامش اخلاقی نیاز داریم. گرمای شهادت و حلاوت اخلاق و اخلاص شهید رئیسی سپهر سیاست در ایران را با میدان جامعه آشتی خواهد داد.

ساخت سیاسی و اجتماعی ایران از آزمون سخت فقدان رئیس‌جمهور اخلاق‌مداری مانند «سید ابراهیم رئیسی» سربلند بیرون آمد

زنده باد سرمایه اجتماعی ایران

عکس: میزان

زهرا طیبی- علی ملکی
گروه نقد روز

شهادت رئیس‌جمهور و هیات همراه او واقعه تلخی برای فضای سیاسی کشور به حساب می‌آید. در زمانی که هنوز چند و چون حادثه بالگرد رئیس‌جمهور برای افکار عمومی روشن نبود، این سوال در ذهن‌ها ایجاد می‌شد که اگر اتفاقی برای رئیس‌جمهور رخ دهد، با توجه به التهاباتی که در منطقه وجود دارد، چه اتفاقی رخ خواهد داد. رهبر انقلاب با تاکید روی این گزاره که خللی در اداره امور کشور پیش نخواهد آمد، فضای نگرانی به‌وجود آمده در جامعه را کمرنگ کردند. در سمت دیگر نیز با توجه به تجربه‌ای که ایران در سال‌های دهه ۶۰ و ترور مقامات کشور و رئیس‌جمهور داشت، احتمالات را در این راستا پیش گرفته بود و در شرایطی که رئیس‌جمهور در میان جمعیت مردم تشییع و خاکسپاری شد، اما ردی از نابسامانی و ناآرامی در فضای سیاسی و جامعه ناشی از فقدان رئیس‌جمهور دیده نمی‌شود. رسانه‌های فارسی‌زبان اما تلاش کردند تا جای ممکن در فضای پیش‌آمده در کشور نابسامانی ایجاد کنند، اما با توجه به اینکه بخش زیادی از اعتبار خود را در ماجرای اتفاقات ۱۴۰۱ از دست دادند، چندان مورد توجه افکار عمومی قرار نگرفتند. برهمین مبنا گام بعدی مطرح کردن این گزاره بود، از آنجا که جایگاه ریاست‌جمهوری در کشور چندان مهم نیست، خللی در کارها پیش نیامده است. درحقیقت اینجا نیز تلاش می‌شود با استفاده از وارونه‌نمایی امری که اتفاقا برای کشور دستاورد حساب می‌شود، حس ناامیدی و یاس را به جامعه تزریق کنند. درحالی‌که این اتفاق در شرایطی رخ داد که جامعه ایران وقایعی دشوارتر از این را تجربه کرده بود و در شرایطی حساس‌تر در کشور، بالاترین مقام اجرایی را از دست داده اما بحران را رد کرده بود و در کنار این اما حضور مردم و نقش‌آفرینی آنها نیز موثر واقع شد. سانحه سقوط هلی‌کوپتر رئیس‌جمهور و همراهانش، حضور گسترده مردم در مراسم تشییع پیکر شهدا در شهرهای تهران، مشهد، تبریز و قم را به‌دنبال داشت. رسانه‌های ضد ایرانی مثل همیشه سعی کردند این حضور را تقلیل داده و سرمایه‌های اجتماعی کشور را نادیده بگیرند. درعین‌حال اما برخی از کارشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند می‌توان از این موقعیت ویژه برای استفاده از سرمایه‌های اجتماعی به‌وجود آمده در شهادت رئیس‌جمهور استفاده کنیم تا شکاف‌های ایجاد شده در جامعه ترمیم شوند. در سال‌های اخیر گروه‌ها و کشورهای مختلف ضد ایرانی تمام توان خود را برای تعمیق شکاف‌های موجود در جامعه به کار گرفتند و از هیچ تلاشی در این زمینه دریغ نکردند. بر این اساس، برای بررسی عوامل تحت‌تاثیر قرار نگرفتن جامعه بعد از شهادت رئیس‌جمهور و همبستگی اجتماعی که بعد از شهادت رئیس‌جمهور به‌وجود آمده با مسعود رضایی و عباس سلیمی‌نمین، پژوهشگران تاریخ و سیدحسین شهرستانی و سیدمجید امامی، کارشناسان جامعه‌شناسی گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

مسعود رضایی: ساختار قانونی مستحکم ما کشور را از افتادن به بحران‌ها حفظ می‌کند

مسعود رضایی در توضیح اینکه چه عواملی منجر شد جامعه ایران بعد از شهادت رئیس‌جمهور ملتهب نشود، گفت: «یکی از مسائل مهمی که باید به آن توجه داشته باشیم، ساختار قانونی مستحکمی است که در کشور ما وجود دارد و با به وجود آمدن چنین اتفاقات و پیشامدهایی، ساختارهای قانونی به دلیل استحکامی که دارند کار و وظیفه خودشان را انجام می‌دهند و کشور به مسیر خودش ادامه می‌دهد. این موضوعی است که هم مردم، هم مسئولان کشور نسبت به آن واقفند. به همین جهت مسئولان و نهادهای قانونی بلافاصله در زمان بروز وقایع ناگوار و از این قبیل شهادت‌ها و فقدان‌هایی که با آن مواجه می‌شویم، به مسئولیت خود عمل می‌کنند. ما سابقه این ماجرا را بارها از ابتدای انقلاب تا الان داشتیم؛ در زمان شهادت شهید رجایی و باهنر که یک رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر از صحنه سیاسی کشور حذف شدند و همچنین انفجار هفت‌تیر که جمعی از مسئولان بلندپایه کشور به شهادت رسیدند و در اتفاقات گوناگونی که رخ داد، شاهد بودیم که روال قانونی کشور، ادامه پیدا کرده است.»

حضور رهبری کشور را از افتادن به تکانه‌های شدید بازداشت

این پژوهشگر تاریخ، عامل دیگری را که منجر شد فضای سیاسی کشور دچار بحران نشود، رهبری انقلاب دانست و گفت: «نکته مهم دیگر، بحث حضور رهبری به‌عنوان «ستون خیمه انقلاب» است. رهبری انقلاب با جایگاه معنوی و قانونی که دارند، مایه امید مردم هستند و آرامش و طمأنینه را در کشور حاکم می‌کنند و نظارت کامل و عالی بر امور کشور دارند. در زمان حضرت امام ما با وقایع مختلفی مثل عزل آقای بنی‌صدر که یک مساله جدی بود، مواجه بودیم. قبل از آن شورش‌ها و اقدامات مسلحانه گروه‌های ضدانقلاب در اقصی نقاط کشور اتفاق می‌افتاد، به‌واسطه حضور رهبری، مردم، اتحاد خودشان را حفظ می‌کردند و نظام هم به مسیر خودش ادامه می‌داد یا در زمان انفجارهای هفت‌تیر و هشت‌شهریور، درکنار آن چهارچوب‌های قانونی که وجود داشت، بالاتر از آن حضور رهبری بود که جامعه را از درگیر شدن در تلاطم‌های جدی و ویرانگر حفظ می‌کرد یا در زمانی که عراق با تمام قدرت و با پشتیبانی کشورهای غربی و شرقی به ایران حمله کرد، جایگاه مدیریتی رهبری و حضرت امام بود که جامعه را در مسیر خود ثابت قدم نگه داشت و از بروز هیجان‌ها و احیانا ناامیدی‌ها و یأس‌ها و ترس‌ها در دل مردم کمتر کرد و آن تهاجمات سنگین متوقف شدند و بعد نیز پیروزی‌هایی حاصل شد. اینها عوامل مهمی هستند که از افتادن کشور به تکانه‌های شدید جلوگیری می‌کنند، حتی زمانی که ما با رحلت خود حضرت امام مواجه شدیم. از نظر دشمنان ما این اتفاق می‌توانست نقطه پایانی بر نظام جمهوری اسلامی باشد. آنها امید بسته بودند که نظام با رحلت حضرت امام به پایان خودش برسد؛ چراکه آینده‌ای برای خود متصور نیست، همین دوعامل موجب شد جامعه به مسیر خود ادامه دهد؛ اول اینکه ما ساختارهای قانونی و نهادهای قانونی و مسئول داشتیم و بلافاصله بعد از رحلت حضرت امام، آنها به مسئولیت خود عمل کردند و نکته دوم اینکه بلافاصله رهبری جدید در جایگاه خود قرار گرفت و کشور به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای ثبات و آرامشی پیدا کرد و به مسیر خودش ادامه داد. تا الان هم به این ترتیب ادامه پیدا کرده است. ما در این مدت با آشوب‌ها، بحران‌ها و التهابات مواجه بودیم که حضور رهبری و تدابیر، شجاعت و طمأنینه و آرامش ایشان موجب شده بتوانیم این بحران‌ها را پشت سر بگذاریم. در حادثه اخیر که رئیس‌جمهور را به‌همراه چند تن از یاران‌شان از دست دادیم، شاهد بودیم که رهبری به مردم آرامش و اطمینان‌خاطر دادند که کشور به مسیر خود ادامه می‌دهد و کارها طبق روال قانونی ادامه پیدا خواهد کرد و نهادهای قانونی هم به وظایف خود عمل می‌کنند. همه‌چیز مشخص است و هیچ خلئی در این زمینه وجود ندارد و حضور رهبری هم که مایه آرامش و سکون و طمأنینه و اطمینان‌خاطر جامعه است، بسیار مهم است.»

مـردم ایران اهمیت توجه به منافع ملی را با وجود اعتراضات به مسائل اقتصادی درک می‌کنند

مسعود رضایی، عامل دیگری را که موجب شد کشور در این اتفاقات دچار بحران نشود، کنش مردم دانست و گفت: «عامل دیگر، هوشیاری و دقت‌نظر مردم ایران است که اگرچه شدیدترین و جدی‌ترین و گسترده‌ترین تبلیغات و جنگ روانی را دشمنان ما برای کشور و نظام به راه انداختند مردم هوشیاری لازم را دارند و عامه و توده مردم همراهی با آنچه دشمنان از قبل این تبلیغات می‌خواهند، انجام نمی‌دهند. در حادثه اخیر شاهد بودیم رئیس‌جمهور و نفر دوم کشور- به‌لحاظ قانونی- را از دست دادیم، تبلیغات و امواج مسموم بلند شدند و خواستند مردم را به رفتارهای خاص بکشانند اما آرامشی که در جامعه حاکم بود، نشان می‌دهد توده مردم، علاوه‌بر اینکه با برخی مشکلات اقتصادی مواجهند و فشارهای اقتصادی را تحمل می‌کنند، اعتراضاتی هم دارند، اما منافع ملی خود را به‌خوبی تشخیص می‌دهند و اسیر این تبلیغات نمی‌شوند. درواقع سه عامل مهم وجود دارد؛ یک رهبری است که در راس نظام قرار دارد و تدبیر امور را برعهده دارد و آرامش و اطمینان خاطر را در نظام حاکم می‌کند. دوم ساختارها و نظام‌های قانونی و مستحکمی است که وجود دارند و موجب می‌شوند جامعه به مسیر خود ادامه دهد و جای خالی رفتگان به‌سرعت پرشود. سوم هوشیاری و اراده ملی مردم ایران است.»

در مواقع بحران این هوشـیاری ملی است که به ما کمک می‌کند

مسعود رضایی درباره هم‌نظری و همراهی که گروه‌ها و سلایق سیاسی مختلف در ماجرای شهادت رئیس‌جمهور داشتند، توضیح داد: «در کشورما به‌طور طبیعی تفکرات و جهت‌گیری‌های مختلفی وجود دارد. همان‌طور که شاهدیم احزاب و گروه‌های مختلف با ویژگی‌های متفاوت حضور دارند و فعالیت می‌کنند و نظرات‌شان را در فضای مجازی، در سایت‌ها، در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منتشر می‌کنند. این وضعیتی طبیعی است که وجود دارد و خوب است و باید این تنوع دیدگاه‌ها و افکار و عقاید وجود داشته باشد، اما نکته مهم این است که در نقاط و سرفصل‌هایی مانند اتفاقی که الان افتاده و احتمال این می‌رود که دشمنان بخواهند سوءاستفاده کنند و خطراتی را برای کشور و مردم ایران و کلیت نظام جمهوری اسلامی به وجود بیاورند، همان هوشیاری ملی است که به ماجرا کمک می‌کند. کسانی حتی در زمان حیات شهید رئیسی به برخی سیاست‌های ایشان در حوزه مسائل اقتصادی، بین‌المللی انتقادهایی وارد می‌کردند. طبیعی است که هر رئیس‌جمهوری روی کار بیاید، منتقدانی دارد، قرار نیست همه با او همفکر و هم‌جهت باشند اما همین منتقدان و معترضان زمانی که پای منافع ملی پیش می‌آید به‌نظر آن مقدار هوشمندی و دقت‌نظر را دارند که متوجه باشند در این زمان باید چگونه رفتار کنند، الان وقت این نیست که ما در زمین دشمن حرکت کنیم. البته این موضوع مطلق نیست و ممکن است اشخاص و افراد و بعضی از آنها منافع ملی را درنظر نگیرند و در زمین دشمن هم بازی کنند و به‌گونه‌ای رفتار کنند که موجب شادی دشمنان ملت و پیشرفت نقشه‌های دشمنان بشوند. این هم جزئی از واقعیت کشور ماست اما در مجموع این‌طور نیست.

در کلیت قضیه آن هوشیاری ملی و وحدت ملی و وحدت اسلامی است که درکشور حاکم می‌شود و به ما کمک می‌کند. در هرشهر و دیاری دیدیم که مردم، توده مردم، عامه مردم چطور رفتار کردند. اینها به دشمن هم ثابت کرده که مردم ایران به طرح‌ها و نقشه‌های آنها پاسخ منفی می‌دهند. این به کرات ثابت شده است در حوادث پاییز ۱۴۰۱ تهاجم تبلیغات سیاسی و اجتماعی سنگینی را علیه ایران انجام دادند ولی با وجود اینکه از صددرصد توان‌شان استفاده کردند، نتوانستند موفق شوند و دلیل عدم موفقیت‌شان این بود که عامه مردم با آنها همراهی نکردند و تشخیص دادند که همراهی با آنها به معنی نابودی کل ایران و جامعه ایرانی است و با آنها همراهی نکردند. از طرف دیگر توده و عامه مردم پیشرفت‌ها و دستاوردها را در کنار نقص و نقصان‌ها می‌بینند اما انبوهی از پیشرفت‌ها و دستاوردها را در زمینه‌های مختلف می‌بینند و حس می‌کنند. نگاه‌شان هم نسبت به آینده این است که می‌توانیم از مشکلات رد شویم و به‌خصوص آقای رئیسی هم این چشم‌انداز را پیش‌روی مردم قرار داد. فعالیتی که شروع شد و شتابی که به چرخ‌های کشاورزی داده شد، آثار مثبتش به تدریج خودش را نشان می‌دهد. بالاخره کاهش تدریجی تورم و کاهش نرخ بیکاری، گسترش روابط بین‌الملل، گسترش ارتباط با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به تدریج آثار خود را نشان می‌دهد و مردم هم می‌بینند که اگر در چهارچوب آن کارهایی که دشمنان آن را تبلیغ می‌کنند، عمل کنند همه این دستاوردها می‌تواند از بین رود. کمااینکه آشوب‌های پاییز ۱۴۰۱ تاثیرات منفی اقتصادی گسترده‌ای بر کشور گذاشت. افزایش تورم، افزایش نرخ ارزهای خارجی و طلا بعد از آن ماجرا شتابی داشت؛ اینها تجربیات مردم ماست؛ بنابراین علی‌رغم اینکه ممکن است برخی در زمین دشمن بازی کنند، اما این دقت نظر موجب می‌شود عامه مردم حواس‌شان جمع باشد و در طراحی و نقشه دشمن بازی نکنند.»

ادامه در صفحه ۷

سلیمی‌نمین: انقلاب اسلامی در سال‌های ابتدایی حوادثی سنگین‌تر از این را پشت سر گذاشته است

عباس سلیمی‌نمین، پژوهشگر تاریخ در توضیح اینکه چرا این اتفاقات منجر به بروز بحران‌ها در کشور نمی‌شود به وقایع ابتدای انقلاب و سال ۶۰ اشاره کرد و توضیح داد: «ما در ابتدای انقلاب اسلامی با مسائل اینچنینی مواجه شدیم که خسارت سنگین‌تر و گسترده‌تری به دنبال داشت اما ملت ایران آن شرایط را به خوبی پشت سر گذاشت؛ این البته به آن معنی نیست که توانستیم آن خسارت را جبران کنیم، بلکه ملت توانست از آن بحران با سربلندی بیرون بیاید. ما شخصیت‌های بزرگی را از دست دادیم. دشمن می‌خواست این اتفاق را تبدیل به بن‌بست کند. مردم با کسب تجربه این موقعیت را تبدیل به فرصت کردند. شناخت واقعیت‌ها موجب شد که ملت این گام بلند را به جلو بردارد. کسانی که می‌خواستند استعداد و توانمندی‌های ما را بگیرند قبل از اینکه دست به ترور بزنند (چون هزینه ترور خیلی بالاست) برنامه تبلیغاتی گسترده‌ای را علیه برخی شخصیت‌های ما پی گرفتند اما این به نتیجه نرسید؛ به همین دلیل حذف فیزیکی را دنبال کردند. حذف فیزیکی هم بالاترین رشد را متوجه مردم ساخت. شاید اگر تبلیغات منفی خودشان را علیه برخی شخصیت‌های ما دنبال می‌کردند، نتیجه بهتری دریافت می‌کردند، ولی وقتی که آن تبلیغات نتوانست به نتیجه مطلوب برسد و دست به حذف فیزیکی زدند، موجب رشد جامعه ما شد و جامعه ما به این جمع‌بندی رسید که تبلیغات می‌تواند واقعیت‌ها را در هاله‌ای از ابهام قرار دهد و موجب غفلت شود و موجب تحت تاثیر قرار گرفتن از فضاسازی‌ها و جوسازی‌ها شود. شهید بهشتی سال‌ها به دلیل اینکه دشمن تشخیص داده بود که او عنصر برجسته‌ای است و قابلیت‌ها و توانمندی مدیریتی او، بسیار قوی است او را تخریب شخصیتی می‌کردند. اما تحمل و بردباری شهید بهشتی موجب شد آنها نتوانند طرفی ببندند و درصدد حذف فیزیکی او بربیایند. شهید بهشتی اندیشمند، فیلسوف و عالم و مدیر بزرگی بود. اینکه دشمن دست به ترور او می‌زند به معنی استیصال دشمن است و این استیصال دشمن از جانب مردم درک می‌شود و نسبت به همه تبلیغاتی که علیه ایشان می‌شود، تجدید نظر می‌کنند و نگاه عمیق‌تری نسبت به تبلیغات می‌افکنند. این تجربه ملت را رشد و افزایش می‌دهد؛ درست است که ضرباتی را به ملت وارد می‌کردند، اما چون از این واقعه عبور کردیم، رشد کردیم و قوی‌تر شدیم.»

سلیمی‌نمین به رویدادهای اخیر و ماجرای شهادت رئیس‌جمهور نیز اشاره کرد و توضیح داد: «در سال‌های اخیر هم ضرباتی مثل آنچه که در مورد شهید سلیمانی به ما وارد شد، بسیار تلخ بود اما قطعا ما را آبدیده‌تر کرد و شناخت ملت را افزایش داد که چرا شخصیتی که پرچم‌دار مبارزه با تروریسم است و داعش را که پدیده شومی است، مهار کرده، باید ترور شود. ملت ایران نسبت به قبل تامل کرد که غرب دروغ می‌گوید که نسبت به تروریسم مساله دارد و از اینکه شخصیتی تروریسم دست‌ساز آنها را به بن‌بست کشانده است، او و همه این ۱۰ سال را بی‌اثر کرده، کینه و نفرت نسبت به وی در دل داشتند که منجر به شهادت او شد. این منجر به شناخت می‌شود. در اتفاق اخیر همین‌طور راجع‌به آقای رئیسی تبلیغات بسیار منفی رواج داشت. اتهام می‌زدند که ایشان نمی‌تواند خوب صحبت کنند؛ چون نمی‌توانستند اتهامات بالاتر از این به ایشان بزنند، ولی ملت این تبلیغات را پشت سر گذاشت. درواقع ما اگر بتوانیم از فشارهای دشمن عبور کنیم قطعا آبدیده‌تر می‌شویم؛ دشمن این را نمی‌فهمد که ایشان با این شیوه‌ها ما را آبدیده‌تر و مقاوم‌تر می‌کند، شناخت ملت ما را نسبت پدیده‌هایی که در شرایط عادی قابل شناخت و فهم نیست، افزایش می‌دهد.»

حضور مردم در تشییع شهید رئیسی معنادار است

سلیمی‌نمین درباره اینکه نقش‌آفرینی مردم چطور از بروز بحران‌ها جلوگیری کرد نیز توضیح داد: «در ابتدای انقلاب که نهادها و ساختارها اینقدر دارای استحکام نبود، توانستیم بحران‌های جدی‌تر را پشت‌سر بگذاریم، به یکباره رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر باهم شهید شدند، تعدادی از نماینده‌های مجلس باهم شهید شدند، رئیس دستگاه قضا شهید شد و شخصیت‌های برجسته همین‌طور. در آن دوران از بحران‌ها سربلند بیرون آمدیم و توانستیم توطئه دشمن را خنثی کنیم. الان خیلی قوی‌تر از آن دوران هستیم و مردم هم هوشمندانه، دشمن و نیروهای آن را می‌شناسد و فعالیت‌هایشان آنها را دچار شوک می‌کند؛ یعنی مردم می‌دانند که حضورشان چه پیامی می‌دهد به همین دلیل اصرار دارند که درست نقطه مقابل برنامه‌های دشمن حرکت کنند، یعنی این فهم را دارند که باید پیام بدهند تمام تلاش‌ها و جوسازی‌ها بی‌نتیجه بوده است. حضور مردم معنادار است و ناشی از یک فهم و تجربه گرانسنگ است؛ در هر نقطه‌ای که شهدا را تشییع کردند؛ ببینید چه استقبالی از همه اقشار صورت گرفته است. اینها تا دیروز تحت تاثیر تبلیغات بودند. یک شوک آنها را متوجه می‌کند که چقدر این تبلیغات دروغ بود. هرچه مسائل سخت‌تر می‌شود، مردم هم آبدیده‌تر می‌شوند و به همان نسبت با آگاهی، عملکردی از خود نشان می‌دهند که برنامه‌های تبلیغاتی دشمن را دچار پریشانی و تناقضات بزرگ می‌کند. این نتیجه یک فهمی از جانب مردم است. برخی در راهپیمایی می‌گفتند ما قضاوت درستی نداشتیم و برای عذرخواهی و طلب مغفرت آمدیم. همین معنا را دارد؛ یعنی ما تحت تاثیر تبلیغات غرب قرار گرفتیم و فهمیدیم چقدر غلط بود درمورد شهید بهشتی هم همین اتفاق افتاد؛ وقتی بهشتی شهید شد، خیلی از کسانی که تحت تاثیر تبلیغات منافقین و غرب بودند، آنقدر عذاب وجدان گرفتند و تلاش کردند در تمام برنامه‌ها خود را به‌گونه‌ای از خطایی که صورت دادند پاک کنند. حجم تبلیغات علیه ایران سنگین است. گاهی اوقات ما هزینه‌هایی می‌دهیم که این شوکی به مردم وارد می‌کند و مردم را به لحاظ شناختی چندگام جلو می‌برد. در ماجرای شهادت رئیس‌جمهور نیز این را می‌بینیم.»

برخی از سیاستمداران حاضر نیستند بپذیرند که جامعه ایران را نمی‌فهمند

سلیمی‌نمین درباره واکنش گروه‌ها و سلایق سیاسی به شهادت رئیس‌جمهور نیز توضیح داد: «بعضی سیاستمداران وقتی می‌بینند نظر مردم یک چیز است می‌خواهند خود را با آن همراه می‌کنند. برخی نیز خود را به کری و کوری می‌زنند. همچنان هم برخی از نویسندگان داخلی، حرف‌های خودشان را تکرار خواهند کرد و تغییری در رویه خود نخواهند داد. بله برخی سیاستمداران این فهم را دارند که در تقابل با مردم قرار گرفتن خیلی به نفع‌شان نیست و این نمی‌تواند نتیجه خوبی داشته باشد. وقتی مردم در راهپیمایی‌های گسترده حضور پیدا می‌کنند؛ آنها هم در رویه خود تجدیدنظر می‌کنند اما برخی سرمقاله‌هایی در مطبوعات داخلی می‌نوشتند، الان هم حرف‌هایی خواهند زد که گویا این سیاستمداران خطاکار نبودند و آنها نبودند که فهم لازم را از جامعه نداشتند و حاضر نیستند بپذیرند که مسائل سیاسی ایران را نمی‌فهمند. مثلا فلان روزنامه‌ای که همیشه سرمقاله اولش را یک نفر می‌نویسد، همچنان این حرف را تکرار خواهند کرد، چون اینها در محافلی بسیار محدود همیشه حرف‌های هم را تایید می‌کنند، خیلی در راهپیمایی‌های اینچنینی شرکت نمی‌کنند و حتی به‌عنوان بیننده حضور پیدا نمی‌کنند؛ حتی صداوسیمای جمهوری اسلامی را نمی‌بینند.»

شهرستانی: تشییع پیکر رئیسی نشان از ظهور تاریخ جدید در ایران معاصر است

سیدحسین شهرستانی، مدیرگروه حکمت هنر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی با اشاره به حضور جمعیت چشمگیر و بیش از حد تخمین‌ها در مراسم تشییع پیکر رئیس‌جمهور و همراهانش گفت: «این نشان‌دهنده این است که ما به یک مکانیسم اجتماعی ترمیمی دست پیدا کرده‌ایم و نشانه‌هایی از ظهور تاریخ جدید در ایران معاصر است. ایران بعد از انقلاب اسلامی تاریخ جدیدی را آغاز کرده اما الان به‌طور قاطع نشانه‌های تداوم یک تاریخ جدید را می‌بینیم. این تاریخ، منطق پیش‌برنده خودش را دارد. یکی از مکانیسم‌ها و پویایی‌های پیش‌برنده این تاریخ مساله شهادت و نظام‌های آیینی و معنوی که پیرامون آن شکل می‌گیرد مثل تشییع است. این موضوع را در شهادت سردار سلیمانی می‌بینیم که مکانیسم‌های تاریخی متمایزی که در تاریخ جدید پساانقلابی ایران شکل گرفته در حال عمل کردن است و بخشی از بحران‌ها و شکاف‌های اجتماعی را ترمیم می‌کند. قطعا ما نباید ساده‌باور باشیم و فکر کنیم که هیچ مشکل دیگری بعد از این تشییع وجود ندارد و بحران‌های اجتماعی حل شده. این ساده‌باوری نه به نفع ماست و نه مشکلی از ما حل می‌کند. اما باید این واقعیت را ببینیم که در شرایط اجتماعی کنونی و در این برهه تاریخی که مشارکت اجتماعی در انتخابات و موقعیت‌های دیگر پایین آمده بود جمعیت بیش از حد تخمین حضور پیدا کرد.»

امیدوارانه به‌سمت اصلاحات اجتماعی و سیاسی برویم

شهرستانی با بیان اینکه نمی‌شود گفت جمعیت حاضرشده بیش از جمعیت رأی‌دهنده در انتخابات به آقای رئیسی است و این مقایسه غلط است، ادامه داد: «کیفیت «مشارکت در صندوق» با «حضور در تشییع جنازه» فرق می‌کند و حضور خیابانی کیفیت مشارکت خیلی بالاتری از حضور پای صندوق دارد. این مسائل به این معنا قابل مقایسه نیست و کمیت را نباید معیاری برای مقایسه قرار داد. این مشهود است بخش زیادی از جمعیتی که چه برای تشییع آمده و چه برای احترام به شخصیت آقای رئیسی و در این همدلی و همدردی جمعی احساس مشارکت می‌کنند، کسانی هستند که ضرورتا به آقای رئیسی رای هم ندادند و شاید بخشی از آنها حتی در انتخابات نیز مشارکت نکرده باشند. لذا این مسلم و قطعی است که این سبد رای ایشان نیست که به‌منظور کنش حزبی و جناحی به میدان آمده باشد، بلکه بدنه اجتماعی و جامعه ایران است که حضور پیدا می‌کند و ظرفیتی در تاریخ جدید ایران است. به‌هرحال مناسبتی در این دوره تاریخی ما در حال شکل‌گیری است که ما هم بتوانیم شکاف‌های اجتماعی را ترمیم کنیم و هم یک الگو برای تعامل درست حکمرانی و مردم بگیریم. منتها این نباید تبدیل به یک عنصر غفلت‌زایی شود که ما فکر کنیم مشکلات درون سیستم و مناسبات اجتماعی میان حکمرانی و مردم نیاز به ترمیم و اصلاح ندارد. این فقط باید انگیزه‌ای باشد که ما امیدوارانه به سمت اصلاح اجتماعی و اصلاح نظامات سیاسی پیش برویم.»

رای رئیسی تـوده‌وار نبـود امـا توانسـت اعتماد اجتماعـی را بـه خـود جلـب کند

مدیرگروه حکمت هنر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی همچنین معتقد است فرآیند انتخابات یک فرآیند لحظه‌ای است. وی درخصوص عملکرد شهید سیدابراهیم رئیسی در این فرآیند گفت: «شاید آقای رئیسی در لحظه انتخابات چندان نتوانست از خود یک چهره مردمی فراگیر به نمایش بگذارد اما توانست در این چند سال با نوع عملکرد و رفتار خودش و نه با حرف‌های پروپاگاندایی شب انتخاباتی، محبوبیت لازم را کسب و درواقع یک سرمایه اجتماعی قدرتمند هم برای خودش و هم برای نظام جمع‌آوری کند. البته در این دوره یک‌سری تصمیمات مساله‌برانگیز (نه با محوریت ایشان) گرفته شد که اگر این تصمیمات و اتفاقات نبود این محبوبیت و سرمایه اجتماعی خیلی بیشتر از این حرف‌ها بود.

این رفتار برخلاف رفتار برخی روسای‌جمهور است که در لحظه انتخابات به‌خاطر فضای موجود در انتخابات رای بالایی کسب می‌کنند ولی بعد از انتخابات فقط حجمی از رای توده‌وار و بی‌قدرت دارند که از درون دل و جان آدم‌ها نجوشیده است. مصداق تامش آقای روحانی است. ایشان در هر دو دوره رای نسبتا بالایی کسب کرد اما حتی در جناح سیاسی خودش هم محبوبیت زیادی نداشت. اما آقای رئیسی با وجود اینکه در مقطع آغازین انتخابات رای بالایی نگرفت و با عملکرد درست خودش رای توده‌وار پشتش نبود، توانست یک اعتماد واقعی را از جنس اعتماد اجتماعی عمیق کسب کند.

رای لحظه انتخابات درواقع می‌تواند رای سلبی باشد. معمولا در انتخابات‌های اخیر در ایران، رای، سلبی بوده و خیلی هم ایجابی نبوده است. همچنین از ارتباط عمیق بین جامعه و یک شخصیت سیاسی حکایت نمی‌کند. اگر مقایسه کنید، رای صندوق آقای روحانی بیشتر از رئیسی بود اما قطعا درجه واگرایی عاطفی و اجتماعی رئیسی نسبت به رئیس‌جمهور پیشین بیشتر بود. بنابراین ایشان توانست در دوره مسئولیت خود با کار و خدمت خالصانه و بی‌ریا با مردم ارتباط برقرار کند. مردم هم اینها را می‌فهمند که فرد درحال تظاهر کردن است یا کار کردن، به‌خصوص حتی بعد از شهادتش. گفتنی است این صرف سانحه شهادت نبود که ایشان را محبوب کرد. این سانحه بهانه‌ای شد که همه در آنچه رخ داد بازیگری کنند و این را حس کردند که ایشان خالصانه زحمت کشید. شیوه شهادت ایشان هم شهادتی بر عملکرد اجتماعی وی دارد.»

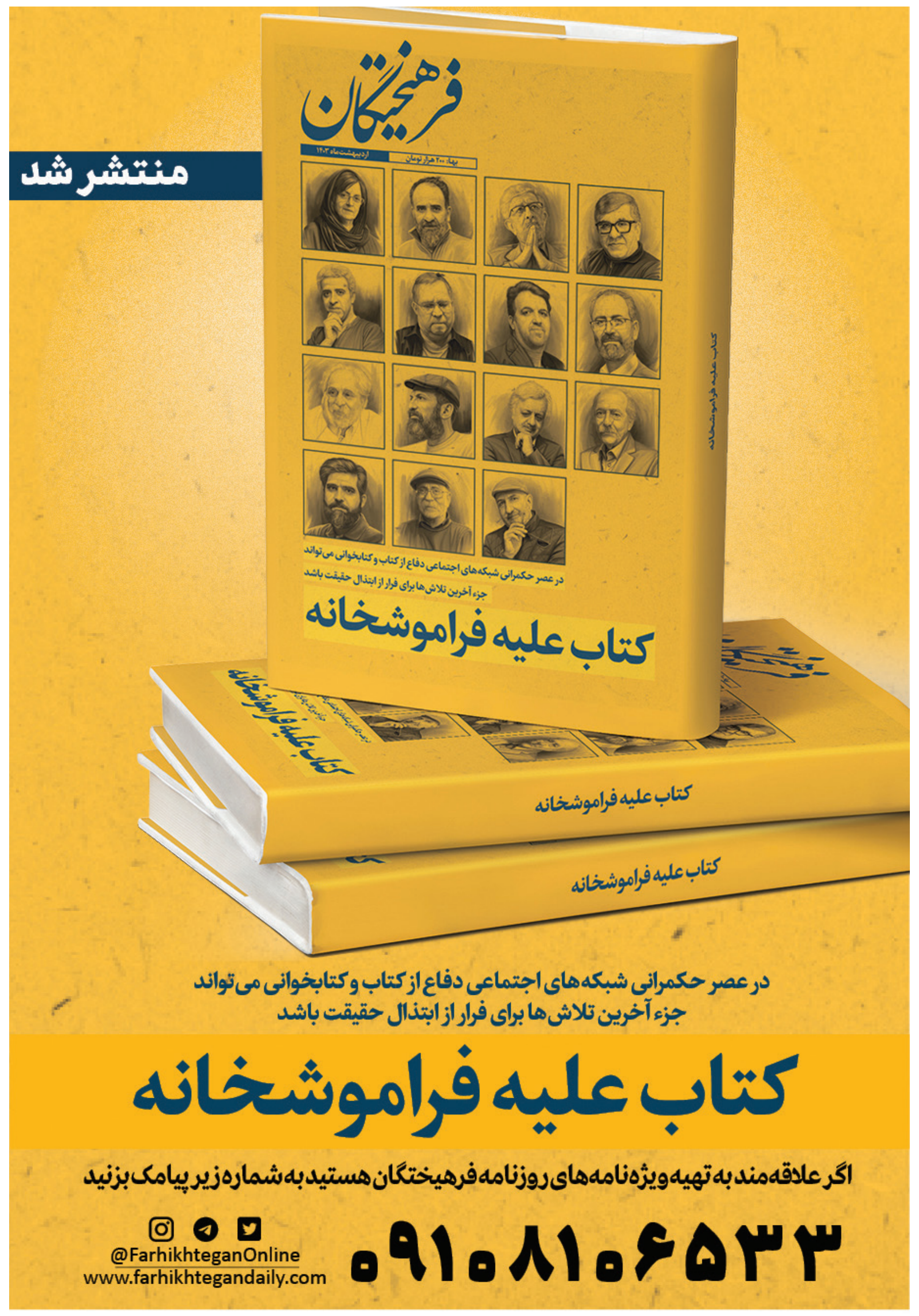

فرهیختگان
بهاء: ۲۰۰ هزار تومان
اردیبهشت ماه ۱۴۰۳
در عصر حکمرانی شبکه‌های اجتماعی دفاع از کتاب و کتابخوانی می‌تواند جزء آخرین تلاش‌ها برای فرار از ابتذال حقیقت باشد
کتاب علیه فراموشخانه

منتشر شد

در عصر حکمرانی شبکه‌های اجتماعی دفاع از کتاب و کتابخوانی می‌تواند جزء آخرین تلاش‌ها برای فرار از ابتذال حقیقت باشد

کتاب علیه فراموشخانه

اگر علاقه‌مند به تهیه ویژه‌نامه‌های روزنامه فرهیختگان هستید به شماره زیر پیامک بزنید

۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۳

@FarhikhteganOnline
www.farhikhtegandaily.com

امامی: باید سرمایه اخلاقی رئیسی را به سرمایه اجتماعی تبدیل کنیم

سیدمجید امامی، دبیر شورای فرهنگ عمومی معتقد است ما در حال تجربه یک داغ بزرگ و داغ ملی در کنار یک شوک به نظام رسمی در کشور هستیم. البته داغ شهید سلیمانی هم این ویژگی‌ها را داشت اما بپذیریم که به‌هرحال به لحاظ رسمی شخص اول اجرایی کشور را در این حادثه ناگوار از دست دادیم. واقعیت این است که به دلیل چیزی که من نامش را سرمایه اخلاقی رئیس‌جمهور شهید می‌نامم ما می‌توانیم از یک افق برای دوران تسلی این داغ سخن بگوییم. سرمایه‌های ملی قابل تبادل هستند و من همواره منادی این واقعیت بودم که سرمایه اجتماعی دولت به معنای رسمی و ساختاری آن در شرایط خوبی نیست. به نظر می‌رسد که مشی، روش و شخصیت رئیس‌جمهور فقید به جایگاهی که او در آن قرار داشت یک سرمایه جدید و منحصر به‌فرد را اضافه یا سرمایه اخلاقی را در کارگزاران یا نهاد کارگزاری در جمهوری اسلامی ایران احیا کرده است. شخصیت‌های سیاسی و کارگزاران سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در ذهن مردم که طبعا بسیاری با تغییرات نسلی الان کمتر در دسترس هستند، این سرمایه را نداشتند. درواقع سرمایه اخلاقی ویژگی مهمی است که از دولتمردان در یک جامعه دینی انتظار می‌رود. مرحوم آقای رئیسی به دلیل عملکردش در ۱۰ سال گذشته در سپهر سیاست، اخلاص و گذشتش نسبت به واقعیت اخلاقی سیاست در ایران و حفظ و مراقبتی که نسبت به این موجودی اخلاق خویش داشت به درجه بالای سرمایه اخلاقی رسیده بود. این سرمایه اخلاقی به‌شدت توان تبادل با سرمایه اجتماعی و تبدیل به آن را دارد. امکان تبدیل این سرمایه اخلاقی و سرمایه اجتماعی دولت در ایران فراهم است و اگر مسیر و مشی و مکتب و رویکردی که مرحوم آقای رئیسی نسبت به مردم و رهبری داشت فهمیده شود، من می‌توانم بسیار به آینده سرمایه اجتماعی در کشور امیدوار شوم.

داغ رئیس‌جمهور نباید زود سرد شود

امامی معتقد است نباید اجازه داد داغ ناشی از فقدان رئیس‌جمهور و سوگ ناشی از فقدان یک کارگزار بااخلاق سرد شود. وی توضیح داد: «این داغ باید تا تعیین تکلیف سرمایه‌های اجتماعی دولت در ایران زنده بماند. ما ناکارآمدی‌ها و چالش‌های مختلفی را در سپهر سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی در ایران داریم. راه‌حل آنها دو امر به‌هم پیوسته است. اول، انسجام و خلوص راهبردها و سیاست‌ها که از منافع و باندی بری باشند و دوم همراهی و اراده ملی. متاسفانه تا وقتی که این دو را نداشته باشیم، دور باطلی را طی می‌کنیم. به نظر می‌رسد همراهی ملی برای حل مسائل بزرگ در کشور در شرایطی محقق می‌شود که سرمایه اجتماعی دولت بالا بیاید. سرمایه اخلاقی که من از آن یاد می‌کنم بهترین مسیر و امکانی است که خداوند متعال با فراهم کردن تقدیر اینچنینی، پیش روی نخبگان سیاسی ایران قرار داد.»

ناامیدی و قطع امید مردم از جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی طالب قدرت در ایران و همچنین شخصیت‌هایی که در موقعیت‌هایی ثابت کردند منافع خودشان را به منافع مردم، ترجیح می‌دهند زمینه‌ساز نوعی حزب‌زدایی و جناح‌زدایی از سپهر سیاست در یک دهه اخیر شده است. البته در برخی از انتخابات‌ها مثل انتخابات مجلس که اساسا نیازمند جناح‌بندی و صف‌بندی در شهرهای بزرگ است به دلیل اینکه تعداد بالایی از نامزدها باید انتخاب شوند، در جای خودش قابل اصلاح و بررسی است اما در قالب گزینه ریاست‌جمهوری و نگاه مردم به کسی که می‌تواند مدیریت اجرایی تراز بالا در کشور را در دست بگیرد، مردم را به آنجا کشانده که اساسا از جناح‌ها خط نمی‌گیرند. یعنی اساسا گم‌شده مردم در عرصه مدیریت اجرایی کشور در جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی موجود یافت نمی‌شود. مردم اساسا به دنبال بازسازی ساخت سیاست داخلی در کشور هستند. تراز دارند اما مسیر رسیدن به این تراز برای آنها بسیار پیچیده و مبهم است. ترازشان مرحوم آقای رئیسی است. ترازشان شخصیتی است که باندسالار و طایفه‌گرا و قبیله‌سالار نباشد. مردم از قبیله‌سالاری به هر دلیلی تبری جسته‌اند. به همین دلیل من فکر می‌کنم انتخابات آینده بسیار پیچیده است و به گزینه‌ای که بتواند در عین تداوم مسیر آقای رئیسی، اعتماد مردم را جلب کند، نیاز داریم. البته حتما ما اینجا باید با منطق اکثریت سخن بگوییم. اما واقعیت این است که بهتر است ما لااقل برای چند صباحی به جای شکاف‌سازی‌های سیاسی تصنعی به دنبال تبدیل سرمایه اخلاقی به سرمایه اجتماعی باشیم که بنده مطرح کردم. احساس می‌کنم جامعه ما بیش از آنکه در شرایط فعلی به رقابت سیاسی نیاز داشته باشد به آرامش اخلاقی برای حل مسائل بنیادینش نیاز دارد. فکر می‌کنم اتفاقا نباید خیلی رقابت جدی انجام داد. کشور و جامعه ما الان در این شرایط اقتصادی‌ای است که دولت تمام تلاشش را کرده تا بقایای رکود قبلی را درمان کند و تا حدی هم توانسته آن را متوقف کند و سرعت رشد اقتصادی را از وضعیت منفی به مثبت تبدیل کرده اما در عین حال مردم به‌خصوص در زندگی شهری و در سفره‌ها هنوز احساس می‌کنند تورم میهمان سفره‌هایشان است و رسانه‌ها هم نتوانسته‌اند واقعیت‌ها را در زندگی نشان دهند؛ در این شرایط نیازمند آرامش اخلاقی هستیم تا شکاف سیاسی.

ادامه از صفحه ۲